



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جرج گرشوین

« جرج گرشوین » در ۲۶ سپتامبر ۱۸۹۸ در بروکلین نیویورک متولد شد و در ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۷ در هالیوود درگذشت .

وی فرزند پیشه‌ور کوچکی بود و خانواده‌اش با موسیقی سرکاری نداشتند. تماس او با موسیقی از همان نوجوانی بود که اکثر جوانان آنروزی داشتند. پس از آشنایی با یکی از موسیقیدانان آن دوره یعنی « ماکس

روزن « ۱ برای اولین بار موفق شد موسیقی بهتری که در سطح عالیتری قرار داشت آشنا شود. در ده سالگی « جرج » کوچک شروع به آموختن پیانو کرد. استاد وی در این دوران شخصی بنام « چارلز هامبیتزر »^۲ بود. ترقی شگرف وی در نواختن پیانو و استعداد خارق العاده اش در درک انواع موسیقی بقدری بود که مورد توجه یکی از ناشرین موسیقی قرار گرفت.^۳ در این زمان با وجودیکه ۱۶ سال بیشتر از سنش نمیگذشت در این موسسه بعنوان مشاور موسیقی با اصطلاح سبک مشغول بکار گردید.

بفراخور موقعیت و شغل خود، گرشوین، نتوانست از تأثیرات عمیقی که بعضی از آثار و سبک های موسیقی در وی نمودند دور بماند بطوریکه بعد از مدتی شیفته آثار « ژروم کرن »^۴ و « ابروینگ برلین »^۵ و از طرفداران سبک آنان گردید. تحت تأثیر و تحریک همین موسیقی بود که پس از مدت کوتاهی بوجود قدرت خلاقه ای در خود پی برد بطوریکه در سال ۱۹۱۶ اولین آواز خود را تصنیف کرد و در سال ۱۹۱۸ موفق بساختن اولین « دروو »^۶ خود گردید.

عامل اصلی موفقیت های اولیه گرشوین در اوان کار وجود شخصی بنام « ماکس دریفوس »^۷ بود. این شخص که یکی از ناشران موسیقی بود نتوانست به گرشوین کمک های ذیقیمتی نموده و پای او را به تأثر های « برادوی »^۸ باز کند.

گرشوین نتوانست با اجرای اولین « دروی » بزرگ خود، در برادوی - در سال ۱۹۱۹ - موفقیت کم نظیری کسب کند و همین موفقیت باعث گردید که او در بین سالهای ۳۳ - ۱۹۱۹ متجاوز از ۲۰ اثر بمعرض اجرا در آورد و تقریباً تمام آنها را قرین موفقیت سازد. غیر از آثار بزرگ فوق وی در همان سالها مقدار معتنا بیهی آوازه های کوچکتر تصنیف کرد. اشعار

۱ - Max Rosen (Rosenzweig)

۲ - Charles Hambitzer - ۳ - Remick & Co.

۴ - Jérôme Kern - ۵ - Irving Berlin

۶ - Revue - ۷ - Max Dreyfus

۸ - Broadway - ۹ - La La Lucille

این آوازاها بوسیله برادرش « ایرا گرشوین »^۱ ساخته میشد و تمام این آوازاها در فاصله کوتاهی در سرتاسر امریکا مورد توجه عموم قرار می-گرفت. بهرورد زمان کم کم سبک آهنگسازی گرشوین حالت یکنواختی پیدا میکرد ولی این بحران با ورود عامل مهم دیگری در زندگی وی که همان آشنائی با « سلطان جاز » آیزمان یعنی « پاول وایتمان »^۲ بود، از میان رفت و وی توانست مجدداً روح تازه‌ای به کالبد آهنگهای خود بدمد.

« وایتمان » موفق گردید گرشوین را متوجه آثار بهتر و سبکهای متنوع‌تر و پرارزش‌تری بنماید. گرشوین تحت راهنمایی‌های او توانست اولین اثر بزرگ جاز سنفونیک خود را بنام « راپسودی این بلو »^۳ در سال ۱۹۲۳ تصنیف نماید و بدینوسیله نه فقط درهای تالارهای بزرگ کنسرت بروی وی گشوده شد بلکه همین اثر عظیم باعث گردید وی شهرت و محبوبیت بی سابقه‌ای در امریکا و در دنیا بدست آورد.

در آیزمان هنوز گرشوین آنقدر قوی نبود که بتواند تمام اطراف و جوانب کار را سنجیده و آهنگهای خود را به تنهایی از گستراسیون نماید و این نکته بسیار قابل توجه است که از گستراسیون « راپسودی این بلو » توسط خود وی انجام نگرفت بلکه توسط شخصی بنام « فرد گروفه »^۴ که تنظیم کننده از کستر « پاول وایتمان » بود، برای اجرا با ارکستر تنظیم گردید. پس از اجرای موفقیت آمیز این اثر گرشوین سعی خود را در فرا گرفتن فن ارکستراسیون موسیقی دوچندان نمود، بطوریکه یکسال بعد از نوشتن راپسودی فوق موفق شد که اثر بزرگ دیگری که کنسرتو پیانو در « فا » بود به معرض اجرا در آورد. تمام کارهای این اثر از جمله کار ارکستراسیون را خود گرشوین به تنهایی بعهده گرفته بود و حتی در اولین اجرای اثر فوق در تالار مشهور « کارنگی هال » خود آهنگساز، سولیست کنسرت پیانوی خود بود.

شهرت گرشوین باعث شد که هر روز بر طرفداران وی افزوده گردد

Paul Whiteman - ۲ Ira Gershwin - ۱

Fred Grofé - ۴ Rhapsody in Blue - ۳

و همین طرفداران در واقع بزرگترین عامل عدم پیشرفت گرشوین در کارهای «کنسرتانت» و سنگین او بودند. وی با وجودیکه یکی از آهنگسازان با اصطلاح پرکار بشمار میرفت مجبور میشد اکثر اوقات خود را برای ساختن آهنگهای کوچک و خوشایند توده مردم صرف نماید.

آثار ارزنده و «کنسرتانت» وی منحصر به دو اثر فوق الذکر و سنفونی فانتزی «یک امریکائی در پاریس»^۱، دو راپسودی و «اوورتور کوبائی» است ولی بنظر بعضی محققین و موسیقی شناسان ارزنده ترین اثر گرشوین - اپرای «سیاه»^۲ - او میباشد که منحصرأ با شرکت خوانندگان سیاه پوست اجرایی شود و از هر لحاظ معرف اوج قدرت خلاقه جرج گرشوین میتواند بود. از حوادث مهم زندگی وی سفر با اروپا و ملاقات با آهنگسازانی چون «راول»، «استراوینسکی» و «میلو» بود که در سال ۱۹۲۸ انجام گرفت. وی از پاریس به وین رفت و در همان شهر بود که خاطرات دروان اقامت خود را در پاریس بشکل سنفونی فانتزی «یک امریکائی در پاریس» تصنیف کرد. بعد از بازگشت به امریکا در سال ۱۹۳۱ به هالیوود رفت و اوقات خود را صرف ساختن موسیقی برای فیلم نمود و در همین شهر بود که وی مبتلا به «ورم مغزی» گردید و در سن ۳۹ سالگی بدرود حیات گفت.

✦

تشخیص و تشریح شخصیت واقعی جرج گرشوین بعنوان یک موسیقیدان کار مشکلی است چه اگر وی را از دریچه چشم یک اروپائی که درباره امریکا و هنر آن دارای عقاید خاصی است بنگریم خواهیم دید که وی در فن خود بخصوص در راه حفظ روابط موسیقی علمی باجاز مسلماً دارای ارزش بسیاری بوده است و با توجه به اصل «امریکائی» بودن وی هنرش ارزنده و قابل توجه است. ولی اگر خواسته باشیم وی را با موسیقیدانان مشهور جهان و هنر او را با هنر آنان بسنجیم متوجه این نکته میشویم که اصولاً مقایسه در این موارد امری منطقی نبیباشد چه بالاخره حتی در بهترین و بزرگترین آثار وی میتوان نکات ضعیف و ابتدائی بسیاری پیدا نمود که کمتر میتوان

۱ - An American in Paris

۲ - Porgy and Bess

مشابه آنرا در ادوار مختلف هنر موسیقی پیدا کرد، خاصه اینکه گرشوین هیچوقت نتوانست خود را از تأثیر فراوان موسیقی سبک ورقس رهاسازد. هنر گرشوین قابل انکار نیست. سبک موسیقی او سبک شخصی خود او بوده است یا به عبارت دیگر سبک هنری و شخصیت وی رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند.

امریکائیه‌ها گاهی وی را از لحاظ هنر یکنوع «قهرمان ملی» تلقی مینمایند، اگرچه این عقیده تا اندازه‌ای اغراق آمیز میباشد ولی با توجه به تاریخ موسیقی امریکا و اینکه گرشوین اولین امریکائی اصیل بود که نتوانست تا اندازه‌ای در قالب آهنگساز فرورفته و آثار جالبی ابداع نماید، شاید عنوان ملی مزبور تاحدی بجا باشد.

نکته قابل توجه اینست که در موسیقی گرشوین همیشه یکنوع حالت زنده، خوشبین و امیدوار کننده وجود دارد که در واقع بازگویی صفات امریکائی است و همین موضوع است که امریکائیان وی را واقعاً از خود میدانند و نسبت به وی احترام بسیاری قائل میباشند.

امر مسلم اینست که گرشوین سبک جدیدی بوجود آورد و آن عبارت بود از تلفیق موسیقی اصیل جاز با موسیقی با اصطلاح کلاسیک. وی توانست این کار را به بهترین وجهی بانجام رساند و میتوان ادعا کرد که طرز کار وی نموداری از نبوغ ذاتی این آهنگساز بشمار میرود. در حقیقت میتوان گفت که اگر قرار باشد موسیقی با اصطلاح کلاسیک و جاز را با هم مخلوط کرد و موسیقی نوینی را ابداع نمود مشکل بتوان کسی را شایسته‌تر از وی چه در زمان خودش و چه بعد از آن سراغ کرد.

گرشوین موفق شد بوسیله سبک جدید آهنگسازی خود پیای موسیقی جاز صحنه بگذارد و ارزش آنرا در برابر جهانیان بالا ببرد. بطور یقین گرشوین دارای احساسی عمیق و فکری روشن بود چه اگر به آثار ارزنده وی بخصوص کنسرتو پیانو و «راپسودی این بلو»، توجه شود میتوان در آن بطور قطع شخصیت موقر و منفکر او را استنباط کرد.

در آثار وی بطور بسیار روشن، درک سالم، رنگ آمیزی بسیار

زیبا و متینی توام با قدرت و جنبه های درامی و گاهی روحانی را میتوان پیدا کرد . یعنی همان عواملی که میتواند معرف شخصیت وی باشد و او را از لحاظ سبک نوینش يك آهنگساز تراز اول معرفی کند .

برای درك شخصیت واقعی و ارزش سبک هنری گرشوین شاید نتوان توضیحی بهتر از عقیده « موریس زاول » درباره او بیان کرد .

گرشوین که در سال ۱۹۲۸ درباریس از « موریس زاول » تقاضا کرده بود وی را بعنوان شاگرد آهنگسازی بپذیرد ، چنین پاسخ شنیده بود :

« .. چرا میخواهید يك زاول درجه دوم بشوید درجائیکه خود شما هم اکنون يك گرشوین تراز اول هستید راه خود را دنبال کنید و مسلم بدانید که برای ادامه این راه احتیاج به معلم هم ندارید . »

دکتر خاچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی